

فرصت بحران

شکل‌گیری قدرت ایران در سنگلاخ‌ها

مؤلف: شعیب بهمن



تهران - اردیبهشت ۱۳۹۷

سرشناسه	: بهمن، شعیب، ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور	: فرصت بحران: شکل گیری قدرت ایران در سنگلاخها/ مولف شعیب بهمن.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص.
شابک	: 978-600-8438-18-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: - (۲۴۱) ۲۴۸.
موضوع	: خاورمیانه -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰م.
موضوع	: Middle East -- Politics and government -- 20th Century
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- خاورمیانه
موضوع	: Iran -- Foreign relations -- Middle East
رده بندی کنگره	: DS ۶۳/۱۸/۰۶۰۴۰۰۰۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۶/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۲۸۴۰

www.asnoor.ir
Email: info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور

نام کتاب: فرصت بحران؛ شکل گیری قدرت ایران در سنگلاخها

نویسنده: شعیب بهمن

ویراستار: مجتبی بهرامی

تایپ و صفحه آرایی: مرضیه روشن روان

طراح جلد: جواد حسین خانی

چاپ و صحافی: اندیشه سازان نور

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰,۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور است.

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۷	 فصل اول: بنیان‌های نظری و مفهومی بحران
۱۹	 الف) بحران و مدیریت بحران
۲۰	 ۱. مفهوم و منشأ بحران
۲۱	 ۲. سطح و انواع بحران
۲۷	 ۳. مدیریت بحران
۳۱	 ب) بحران‌های سیاسی و بین‌المللی
۳۳	 ۱. بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
۳۶	 ۲. شاخص‌های بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
۴۳	 ۳. فرصت‌ها و تهدیدهای بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
۴۷	 فصل دوم: تحول در رویکرد در تاریخی و محیطی ایران به بحران‌ها
۴۹	 الف) تحول در رویکردهای تاریخی ایران نسبت به بحران‌ها
۵۰	 ۱. ایران و بحران‌های منطقه‌ای در دوره پهلوی
۵۴	 ۲. ایران و بحران‌های منطقه‌ای پس از انقلاب اسلامی
۵۹	 ب) تحول در محیط پیرامونی ایران در غرب آسیا
۶۰	 ۱. تغییرات محیط منطقه‌ای ایران
۶۲	 ۲. نبرد ضد هژمون با آمریکا
۶۴	 ۳. مقابله با رژیم صهیونیستی
۶۷	 فصل سوم: غرب آسیا؛ منطقه‌ای بحران‌خیز
۷۰	 الف) علل ظهور و بروز بحران در غرب آسیا
۷۰	 ۱. اهمیت منطقه در سطح نظام بین‌الملل
۷۴	 ۲. رقابت قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منطقه
۷۵	 ۳. مرزبندی‌های مصنوعی حاصل از تقسیمات استعماری
۷۷	 ۴. وجود رژیم صهیونیستی
۷۹	 ۵. تقابل جریان‌های انقلابی با نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و سستی
۸۰	 ۶. قرائت‌های مختلف از دین اسلام
۸۱	 ۷. تقابل دو الگوی مقاومت و الگوی سازش
۸۳	 ۸. ظهور و بروز گروه‌های تروریستی
۸۴	 ۹. رقابت تسلیحاتی
۸۷	 ۱۰. اسلام‌هراسی
۸۸	 ب) دوره‌های بحران در غرب آسیا
۸۹	 ۱. پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۹۰	۲. تجاوز نظامی آمریکا و متحدان آن به افغانستان و عراق
۹۲	۳. قیام‌های مردمی در جهان عرب
۹۲	۴. فعالیت گروه‌های تکفیری - تروریستی
۹۵	فصل چهارم: بحران‌های منطقه غرب آسیا
۹۷	الف) روند بحران‌های غرب آسیا
۹۸	۱. افغانستان؛ سرزمین بحران‌ها
۱۰۰	۲. عراق؛ از اشغال تا تروریسم
۱۰۵	۳. سوریه؛ جنگ نیابتی
۱۰۷	۴. یمن؛ مقابله با انقلاب مردمی
۱۱۲	ب) ریزگم‌های بحران‌های غرب آسیا
۱۱۳	۱. نوع و سطح بحران‌ها
۱۱۴	۲. ابعاد و رهنما: بحران‌ها
۱۱۷	ج) سنجش شاخص‌های بحران‌های غرب آسیا
۱۱۷	۱. اهمیت جغرافیه بحران‌ها
۱۲۰	۲. موضوع بحران‌ها
۱۲۱	۳. میزان خشونت در بحران‌ها
۱۲۴	۴. تعداد بازیگران حاضر در بحران‌ها
۱۲۶	۵. میزان مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران‌ها
۱۳۱	فصل پنجم: مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا
۱۳۴	الف) تهدیدهای بحران‌های منطقه‌ای برای ایران
۱۳۴	۱. محاصره ایران توسط آمریکا
۱۳۷	۲. افزایش مخاطرات تروریستی
۱۳۸	۳. افزایش هزینه‌های نظامی
۱۳۹	۴. احتمال تسری بحران به سایر مرزها
۱۴۱	۵. بروز مخالفت‌های داخلی
۱۴۱	ب) روند مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا
۱۴۲	۱. ایران و مدیریت بحران در افغانستان
۱۴۷	۲. ایران و مدیریت بحران در عراق
۱۵۴	۳. ایران و مدیریت بحران در سوریه
۱۵۹	۴. ایران و مدیریت بحران در یمن
۱۶۲	ج) الگوی مدیریت بحران ایران در منطقه
۱۶۳	۱. فرایند دشوار بحران‌شناسی
۱۶۵	۲. شیوه مواجهه و مدیریت بحران ایران
۱۶۶	۳. ویژگی‌های مدیریت بحران ایران
۱۶۸	۴. فرصت‌سنجی ایران در مدیریت بحران‌ها

فصل ششم: نتایج مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا و دلایل موفقیت آن.....	۱۷۱
الف) پیامدهای مدیریت بحران ایران در غرب آسیا	۱۷۳
۱. دور نگه داشتن آشوب و بحران از ایران	۱۷۴
۲. مطرح کردن ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی	۱۷۸
۳. برجسته شدن نقش ایران به عنوان یک کشور ضدتروریستی	۱۸۶
۴. فراگیر شدن جبهه مقاومت اسلامی	۱۸۹
۵. به چالش کشیدن اهداف و منافع آمریکا	۱۹۱
۶. ناکام گذاشتن رقبای منطقه‌ای	۱۹۷
۷. نمایش قدرت ائتلاف‌سازی	۲۰۲
ب) دلایل موفقیت ایران در بحران‌ها	۲۰۴
۱. رد دیالکتیک ملی قوی	۲۰۵
۲. ثبات راهبردی	۲۰۷
۳. تقویت رنوبل یک تشنه	۲۱۷
۴. ایجاد هسته‌های مقاومت در سراسر منطقه	۲۲۱
۵. بهره‌مندی از قدرت نرم	۲۲۴
۶. حضور مستشاری نظامی	۲۲۹
نتیجه‌گیری.....	۲۳۱
منابع و مأخذ	۲۴۱

مقدمه

غرب آسیا از گذشته به دلایل مختلف در کانون تحولات جهانی قرار داشته است. این امر موجب بروز بحران‌های مختلفی در این منطقه شده و کشورهای قدرتمند و ضعیف را به نحوی در کانون تحولات ناخواسته قرار داده است. علاوه بر منابع و مسائلی که در این منطقه وجود دارند، عامل بروز بحران می‌شوند، مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای در امور داخلی کشورهای غرب آسیا باعث پدید آمدن بحران‌های متعددی در این منطقه شده است. بروز بحران‌های مختلف، کشورها و بازیگران اصلی منطقه را به نحوی در این بحران‌ها دخیل و درگیر کرده است؛ بر هر یک از این کشورها دارای منافع و یا تهدیدهایی در بحران‌ها هستند.

در این بین، ایران فارغ از نوع نظام سیاسی و خط‌مشی حاکم بر سیاست خارجی خود، همواره در بحران‌های منطقه غرب آسیا دخیل و درگیر بوده است. بخش مهمی از دخیل بودن ایران در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از - به - جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور ناشی می‌شود. ایران به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ممتاز ژئوپلیتیکی، یک کشور بین‌المللی محسوب می‌شود و نمی‌تواند در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، نقشی حاشیه‌ای را انتخاب نماید. به این معنا که از یک‌سو محیط بین‌المللی را صورت‌دهنده تغییر رویه‌ها و بازیگران سیاسی در ایران، از آن تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر هر گونه تغییر در ساختار و فرآیند در روابط بین‌الملل به تغییر ساختار و فرآیند محیط داخلی سیاست ایران منتهی می‌شود.

موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوانرژیک، از جمله متغیرهای مستقل جغرافیایی محسوب می‌شوند که تأثیر چشمگیر و معناداری بر سیاست و روابط خارجی ایران دارند و همین امر از ایران یک کشور بین‌المللی و یک بازیگر مهم در مناطق پیرامون خود ساخته است. به عبارت دیگر جایگاه ایران به خاطر موقعیت

ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، یک تعبد راهبردی برای منطقه و جهان است و ایران هرگز نمی‌تواند در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای که در آن قرار گرفته، یک کشور حاشیه‌ای باشد. نمونه بارز چنین امری را از یک سو می‌توان در مطمح نظر بودن ایران از سوی قدرت‌های بزرگ و از سوی دیگر در انقلاب اسلامی مشاهده کرد که نظام دو قطبی موجود را به چالش کشید.

موقعیت ژئوپلیتیک، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران موجب شده که این کشور در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، جایگاه‌های مختلفی را در نظام بین‌الملل تجربه کند. به نحوی که ایران در دوره‌هایی از تاریخ، یک قدرت جهانی بوده و در دوره‌هایی دیگر تا حد یک دولت فرومانده و وابسته به افول گراییده است. طی دو قرن اخیر، ایران در حداثی راهبردهای قدرت‌ها از جمله دو قدرت بزرگ جهانی رقیب قرار داشته و مسائل را در فرآیند رفتارهای رقابت آمیز قدرت‌های جهانی بازی کرده است.

در این بین، وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فضای جدیدی را برای ایران بوجود آوردند. به خصوص که با شکل‌گیری نظام نوین پس از جنگ سرد، نه تنها از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی ایران کاسته نشد، بلکه نوع بازیگری تهران در معادلات بین‌المللی به‌ویژه مسائل غرب آسیا به‌درستی بود که این کشور به یک عامل محوری در منطقه مبدل شد. این امر باعث شد که در گذر زمان، بسیاری از کارشناسان امور بین‌الملل به این نتیجه برسند که ایران به یک «قدرت برری منطقه» تبدیل شده است.

واقعیت آن است که هم‌اکنون، ایران به مدد پیشینه تاریخی، وضعیت سرزمینی، جغرافیایی، جمعیتی و موقعیت منطقه‌ای خود و همچنین ایدئولوژی انقلاب اسلامی، توانسته از موقعیت به مراتب بهتری نسبت به گذشته برخوردار شود. در این بین آنچه باعث بروز و ظهور قدرت ایران در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شده، شیوه و اصولی بوده که طی سال‌های گذشته در مواجهه با رویدادها و تحولات منطقه‌ای و جهانی اتخاذ کرده است. در واقع ایران به واسطه حضور در بحران‌ها و تحولات پیرامون خود موفق شده تهدیدهای ناشی از این بحران‌ها را به فرصت‌های قابل توجهی تبدیل کند که در نهایت موجب برجسته شدن نقش و جایگاه این کشور در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شود.

بر این اساس، کتاب حاضر درصدد بررسی ابعاد مختلف بحران‌های منطقه غرب آسیا

در سال‌های پس از ۲۰۰۱ و شیوه مدیریت ایران در این بحران‌ها است. علت انتخاب مقطع ۲۰۰۱ به بعد، به عنوان مبنای کتاب حاضر، رخداد ۱۱ سپتامبر در این سال است که موجب لشگرکشی آمریکا به منطقه و وقوع جنگ در افغانستان و عراق شد که هر دو در همسایگی ایران قرار داشتند. ضمن آنکه تجاوز نظامی به این کشورها موجب تشدید بحران در منطقه و تسری آن به کشورهای هم‌چون سوریه و یمن نیز شد. از این رو هدف اصلی کتاب حاضر، بررسی روند حضور ایران در بحران‌های افغانستان، عراق، سوریه و یمن است. همچنین بررسی روند، الگو و پیامدهای مدیریت ایران در این بحران‌ها و دلایل موفقیت تهران، از جمله اهداف مهم این کتاب به شمار می‌آیند.

در این راه، در فصول مختلف کتاب تلاش شده ضمن بررسی چارچوب تئوریک مباحث مرتبط با بحران، علل و روند بروز بحران در غرب آسیا و همچنین مدیریت ایران در این بحران‌ها تشریح و تبیین شود. علاوه بر این، پیامدهای مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا و دلایلی که موجب موفقیت تهران در تبدیل تهدیدها به فرصت‌های قابل توجه شده است، مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. بر این اساس کتاب حاضر از پپ فصل تشکیل شده است:

فصل اول، تحت عنوان «بنیان‌های نظری و مفهومی بحران» به چارچوب نظری اختصاص یافته است. در این فصل، مباحثی همچون مفهوم منشأ بحران، سطح و انواع بحران و مدیریت بحران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین در این فصل، بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف شده‌اند و شاخص‌های سنجش فراغت‌ها و تهدیدهای این بحران‌ها ارائه شده‌اند.

فصل دوم، تحت عنوان «تحول در رویکردهای تاریخی و محیطی ایران در بحران‌ها» به بررسی تغییرات صورت گرفته در رویکرد ایران در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. در بخش اول این فصل، تحول در رویکردهای تاریخی ایران نسبت به بحران‌ها در دو مقطع پیش و پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت‌های این مقاطع با یکدیگر بیان شده‌اند. در بخش دوم نیز تحول صورت گرفته در محیط پیرامونی ایران در غرب آسیا مورد بررسی قرار گرفته است که نشان می‌دهد تحولات ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و همچنین نبرد ضد هژمون با آمریکا و مقابله با رژیم صهیونیستی، چگونه موجب ایجاد تغییرات عمده در محیط منطقه‌ای ایران شده‌اند.

فصل سوم، تحت عنوان «غرب آسیا؛ منطقه‌ای بحران‌خیز» به دو مقوله مهم یعنی علل ظهور و بروز بحران در غرب آسیا و دوره‌های بحران در این منطقه، اختصاص یافته است. در این فصل، اهمیت منطقه غرب آسیا در سطح نظام بین‌الملل، رقابت قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منطقه، مرزبندی‌های مصنوعی حاصل از تقسیمات استعماری، وجود رژیم صهیونیستی، تقابل جریان‌های انقلابی با نظام‌های سیاسی محافظه‌کار و سستی، قرائت‌های مختلف از دین اسلام، تقابل دو الگوی مقاومت و الگوی سازش، ظهور و بروز گروه‌های تروریستی، رقابت تسلیحاتی و اسلام‌هراسی به عنوان علل ظهور و بروز بحران در این منطقه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تجاوز نظام آمریکا و متحدان آن به افغانستان و عراق، قیام‌های مردمی در جهان عرب و فعالیت گروه‌های تکفیری - تروریستی به عنوان دوره‌های بحران در غرب آسیا یاد شده است.

فصل چهارم، تحت عنوان «بحران‌های منطقه غرب آسیا» به بررسی روند و ویژگی‌های بحران‌های غرب آسیا اختصاص یافته است. در بخش اول این فصل، روند بحران در چهار کشور افغانستان، عراق، سوریه و یمن مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم نیز تلاش شده بحران در این کشورها با استفاده از مبانی نظری که در فصل اول ذکر شده بود، مورد تحلیل قرار گیرد. بر این اساس نوع و سطح بحران‌ها به همراه ابعاد پیدا و پنهان بحران در افغانستان، عراق، سوریه و یمن مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در بخش سوم نیز با استفاده از شاخص‌های سنجش بحران، وضعیت بحرانی در کشورهای غرب آسیا بررسی شده است.

فصل پنجم، تحت عنوان «مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا» - در سه بخش به مسئله مدیریت ایران می‌پردازد. بخش اول این فصل بر تهدیدهای بحران‌های منطقه‌ای برای ایران متمرکز است که شامل مواردی همچون محاصره ایران توسط آمریکا، افزایش مخاطرات تروریستی، افزایش هزینه‌های نظامی و بروز مخالفت‌های داخلی می‌شود. بخش دوم به روند مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا پرداخته و راهبردها و اقدامات ایران در چهار کشور افغانستان، عراق، سوریه و یمن را مورد بررسی قرار داده است. در بخش سوم نیز الگوی مدیریت بحران ایران در منطقه ارزیابی شده است. در این بخش نشان داده شده که چگونه ایران فرایند دشوار بحران‌شناسی را مدیریت کرده و از چه شیوه‌هایی جهت

مواجهه با بحران استفاده کرده است. همچنین ویژگی‌های مدیریت بحران ایران و فرصت‌سنجی در مدیریت بحران‌ها نیز در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فصل ششم، تحت عنوان «پیامدهای مدیریت ایران در بحران‌های غرب آسیا و دلایل موفقیت آن» به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول به پیامدهای مدیریت بحران ایران در غرب آسیا پرداخته شده که شامل مواردی همچون دور نگه داشتن آشوب و بحران از ایران، مطرح کردن ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی، برجسته شدن نقش ایران به عنوان یک کشور ضدتروریستی، فراگیر شدن جبهه مقاومت اسلامی، به چالش کشیدن اهداف و منافع آمریکا، ناکام ماندن رقبای منطقه‌ای، برجسته شدن نقش نیروی قدس و سردار سلیمانی در تحولات منطقه و نمایش قدرت ائتلاف‌سازی می‌شود در بخش دوم نیز دلایل موفقیت ایران در بحران‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به مباحثی همچون وجود دولت ملی، ثبات راهبردی، تقویت ژئوپلیتیک تشیع، ایجاد هسته‌های مقاومت در سراسر منطقه، استفاده از دیپلماسی نهضتی، بهره‌مندی از قدرت نرم و حضور مستشاری و نظامی پرداخته شده است.